

بررسی سنجشی مضامین سیاسی اشعار سپیده کاشانی و نازک‌الملائکه

معصومه نعمتی قزوینی*

طاهره ایشانی**

چکیده

جامعه‌شناسی ادبیات به عنوان یکی از شاخه‌های جامعه‌شناسی هنر، ساخت و کارکرد اجتماعی ادبیات را بررسی نموده و در تحلیل آثار ادبی بیشتر به عوامل بیرونی آن توجه دارد. از این منظر، ادبیات هر ملت می‌تواند تصاویری فرضی را از واقعیت‌های موجود ارائه داده و نکته‌های کلی تاریخ اجتماع را به عنوان سندی اجتماعی در اختیار پژوهشگران این عرصه قرار دهد. در پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و آماری به بررسی اشعار سیاسی سپیده کاشانی و نازک‌الملائکه، دو تن از شاعران نوگرای پارسی و عربی پرداخته شده است. حاصل این نوشتار ضمن این که نشان از بازتاب مضامین سیاسی مشابه همچون جنگ، حوادث سیاسی داخلی، مسائل سیاسی دیگر کشورها، شخصیت‌های مهم سیاسی، زنان و مبارزه و ... در اشعار هر دو شاعر دارد، گویای تفاوت‌هایی است که به دلیل شرایط خاص محیطی هر یک از آنان ایجاد گردیده است. بی‌شک تأثیرپذیری هر دو شاعر از بسترهای سیاسی و اجتماعی عصر خویش علاوه بر آن که بر حضور فعال زنان شاعر در عرصه‌های اجتماعی و ادبی اشاره دارد، می‌تواند تأیید روشنی بر نظریه اجتماعی ادبیات نیز به شمار آید.

کلیدواژه‌ها: شعر معاصر پارسی، شعر معاصر عربی، سپیده کاشانی، نازک‌الملائکه، مضامین سیاسی.

* استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران m.n136089@yahoo.com

** استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران tahereh.ishany@ihcs.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۱/۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۱۷

۱. مقدمه

نظریه‌های اخلاقی درباره ادبیات، از زمان یونان باستان در آرای افلاطون پدیدار شد و همزمان با ظهور رمانتیسم، بستر پیدایش نظریه‌های اجتماعی مرتبط با ادبیات را، در اوایل سده نوزدهم میلادی در اروپا فراهم کرد (الفرطوسی، ۲۰۰۷: ۱).

در پی شکل‌گیری و تکامل نظریه‌های اجتماعی، کم‌کم جامعه‌شناسی به عنوان دانشی مستقل، از بستر فلسفی خود جدا شده و به سرعت با علوم دیگر درآمیخت. جامعه‌شناسی علمی در قرن نوزدهم و بیستم به تدریج تکامل یافته و به شاخه‌های متعددی تقسیم شد (فرجاد، بی تا: ۸-۲۵).

«جامعه‌شناسی ادبیات به عنوان یکی از شاخه‌های جامعه‌شناسی هنر، ساخت و کارکرد اجتماعی ادبیات و ارتباط میان جامعه و ادبیات و قوانین حاکم بر آنها را بررسی می‌کند» (ستوده، ۱۳۷۸: ۵۶).

جامعه‌شناسی ادبیات نشان می‌دهد، ادبیات نیز مانند خانواده، آموزش و پرورش، حکومت، اقتصاد و غیره، یک نهاد اجتماعی است، یعنی ریشه در زندگی اجتماعی انسان دارد. در واقع جامعه‌شناسی ادبیات مطالعه علمی محتوای اثر ادبی و ماهیت آن در پیوند با دیگر جنبه‌های زندگی اجتماعی است (همان: ۵۶؛ وهبه، ۱۹۷۴: ۵۲۵).

این نوع نقد، اساساً به عوامل بیرونی آفرینش اثر ادبی، توجه دارد، زیرا معتقد است برای شناخت باورها، هنرها، زبان و رسوم باید انسان و نهادها و پدیده‌های اجتماعی را به طور دقیق و علمی آزمود، از آنجاکه انسان در جامعه زندگی می‌کند و در خانواده و تحت تأثیر میراث‌های تمدنی و فرهنگی به رشد و بالندگی می‌رسد و هنجارهای آن را می‌پذیرد، ادبیات نیز مانند جامعه‌شناسی، پیش از هر چیز با حوزه اجتماعی سازگاری انسان با آن، و آرزوهایش در جهت دگرگون‌سازی آن سر و کار دارد (دستغیب، ۱۳۷۸: ۷۸).

شاید به همین دلیل است که گفته می‌شود ادبیات بیان حال جامعه است و وضع موجود جامعه را در هر دوره‌ای منعکس می‌نماید؛ همچنان که برخی دیگر ادبیات را نسخه بدل زندگی و آن را در حد مدارک اجتماعی و تصاویری فرضی از واقعیت‌های اجتماعی می‌دانند و بر این باورند که می‌توان از ادبیات نکته‌های کلی تاریخ اجتماع را به عنوان یک سند اجتماعی به دست آورد (ولک، ۱۳۷۳: ۱۱۰).

از این دیدگاه، شعر معاصر پارسی و عربی بستر مناسبی برای پژوهش‌های مبتنی بر این نظریه است. بر این اساس پژوهش حاضر بر آن است تا از رهگذر نظریه اجتماعی ادبیات،

اشعار سیاسی دو شاعر معاصر پارسی و عربی (سپیده کاشانی و نازک‌الملائکه) را که در موارد زیر مشترک‌اند، مورد بحث و بررسی قرار داده و وجوه تشابه و تمایز آن را تبیین نماید:

- هر دو شاعر نماینده طبقه زنان جامعه خویش‌اند.

- هر دو گرایش‌های سیاسی دارند.

- هر دو از شاعران معاصر به شمار می‌آیند.

- هر دو نوگرا هستند.

- هر دو در شرایط دشوار سیاسی و اجتماعی تقریباً مشابهی می‌زیسته‌اند.

بر این اساس مقاله حاضر در پی پاسخگویی به این سؤالات است:

- سپیده کاشانی و نازک‌الملائکه تا چه میزان از مسائل سیاسی عصر خویش متأثر شده‌اند؟

- مهم‌ترین مسائل سیاسی که در اشعار این دو شاعر مطرح شده کدام‌اند؟

- از میان محورهای سیاسی اشعار این دو شاعر کدام به نحوه برجسته‌تری مورد توجه قرار گرفته‌اند؟

لازم به یادآوری است، اگرچه تاکنون پژوهش‌های چندی پیرامون ادبیات و آثار هر یک از این دو شاعر به صورت جداگانه صورت گرفته، به صورت مقایسه‌ای به این موضوع پرداخته نشده است.

از آنجاکه برای بررسی و ارزیابی دقیق دیدگاه‌های سیاسی دو شاعر از رهگذر نظریه اجتماعی ادبیات، مطالعه زندگی و شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه ایشان امری ضروری است، لذا پیش از پرداختن به بحث اصلی، مختصری از زندگی و شرایط سیاسی و اجتماعی شاعران مورد بحث عرضه می‌شود.

۲. معرفی شاعران

۲-۱. سپیده کاشانی

سپیده کاشانی فرزند حسین در سال ۱۳۱۵ در کاشان متولد شد. وی سرودن شعر را از سال ۱۳۴۸ آغاز کرد و در سال ۱۳۵۲ دفتر شعر *پروانه‌های شب* را منتشر ساخت. وی در این مجموعه که در قالب شعر آزاد و غزل سروده شده، به جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی تاخته است. کاشانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی وارد فعالیت‌های مطبوعاتی شد. او همچنین عضویت در حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، صدا و سیما و شورای شعر

وزارت ارشاد را نیز در کارنامه خود دارد. مجموعه دوم او سخن آشنا است که پس از مرگ شاعر، توسط پسرش در سال ۱۳۷۳ به چاپ رسیده است. در همین سال حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، گزینه شعر جنگ از سپیده کاشانی را با نام هزار دامن گل سرخ منتشر کرد؛ همچنین گزیده اشعار وی توسط انتشارات نیستان در سال ۱۳۷۸ به چاپ رسید. از دیگر آثار این شاعر، یادداشت‌های دو سفر وی به جنوب در سال‌های جنگ تحمیلی است. نوشته‌های سفر اول با شب عاشورای ۵۹ از خونین شهر آغاز می‌شود و یادداشت‌های سفر دوم یادنامه‌ای از فتح‌المبین است. سپیده کاشانی در این سفر پرخطر به همراه شاعران حوزه هنری، پس از عملیات فتح‌المبین به جبهه‌های جنوب و غرب رفته است و از نزدیک حوادث جنگ، پیکرهای سوخته شهدا را با چشم دیده و درباره آنها اشعاری حماسی سروده و با مطالبی را نوشته است. مجموعه‌ای پس از مرگ وی گردآوری و چاپ شد که در آن اشعار گوناگون اجتماعی نیز هست؛ از جمله قطعه «فرزند بی‌گناه» به یاد کشتار کودکان فلسطینی، «رستخیز ستارگان» در وصف پیروزی انقلاب، مثنوی «سلام بر آبادان» و... در واقع، سروده‌های او در دوران جنگ نقش زیادی در برانگیختن روحیه مبارزه و شهادت‌طلبی جوانان داشته است. سپیده کاشانی در سال ۱۳۷۱ بر اثر بیماری درگذشت (برای اطلاع بیشتر ر.ک صنعتی، ۱۳۸۹: ۸۴؛ حسین زاده بولاقی، ۱۳۸۷: ۸۲ - ۹۰).

۲-۲. نازک الملائکه

نازک صادق الملائکه در سال ۱۹۲۳ میلادی در محله «عاقولیه»، یکی از مناطق قدیمی شهر بغداد و در یکی از خانواده‌های بزرگ، اصیل، مرفه و اهل ادب چشم به جهان گشود (ملائکه، ۱۹۹۵: ۲۹). مادرش «سلیمه الملائکه» معروف به «أم نزار»، شاعر و از پیشگامان جنبش حمایت از حقوق زنان در عراق (بقاعی، ۱۹۹۵: ۳۲) بود و پدرش علاوه بر شاعری، استاد زبان عربی بوده است. نازک، نحو را از دوره متوسطه نزد پدر آموخت و پس از گذراندن دوره ابتدایی و متوسطه وارد دارالمعلمین بغداد شد. در سال ۱۹۴۴ تحصیلات خود را به اتمام رسانده و موفق به اخذ درجه کارشناسی در رشته زبان عربی گردید (همان: ۲۹-۳۱). در سال ۱۹۴۷ اولین مجموعه شعری نازک با عنوان عاشقته اللیل در بغداد منتشر شد. پس از گذشت اندک زمانی از نشر اولین مجموعه شعری، قصیده «الکولیرا» را - به عنوان اولین تجربه شعر نو - سروده و نام خود را برای همیشه به عنوان یکی از پیشگامان اصلی شعر نو عربی ثبت نمود (همان: ۳۰).

در سال ۱۹۵۰ پس از موفقیت در آزمون زبان انگلیسی دانشگاه کمبریج و کسب درجه عالی زبان انگلیسی، از طریق مؤسسه «راکفلر» امریکا، عازم ایالات متحده گردید تا دوره یک ساله نقد ادبی را در دانشگاه «پرینستون» ایالت نیوجرسی طی نماید. در آنجا با استادان بزرگ نقد ادبی امریکا آشنا شده و پس از پایان دوره در سال ۱۹۵۱ به عراق بازگشت و فعالیت در زمینه نقد ادبی و دفاع از حقوق زنان را آغاز نمود (همان: ۳۲).

در سال ۱۹۵۸، انقلاب عبدالکریم قاسم^۱ به وقوع پیوست. حوادث پس از انقلاب و انحرافات که در مسیر آن رخ داده بود وی را به شدت متأثر نموده و به مخالفت با قاسم و کمونیست‌ها متمایل نمود تا اینکه سرانجام در نتیجه فشارها و تهدیدهای حکومتی، در سال ۱۹۵۹ عراق را ترک کرد و عازم کویت گردید. از همین دوران بود که زمینه گرایش‌های قومی در نازک ایجاد گشته و تا آخرین روزهای حیات نیز با او همراه بود. نازک در طول یک سال اقامت در بیروت آثاری را درباره قومیت‌گرایی در مجله *الأدب* منتشر نموده و در سال ۱۹۶۰ به عراق بازگشت (جحا، ۱۹۹۹: ۳۶۱).

پس از به قدرت رسیدن حزب بعث عراق در سال ۱۹۶۸، نازک به دلیل مخالفت با رژیم بعثی، بار دیگر مجبور به ترک عراق و اقامت در کویت گردید. وی تا سال ۱۹۹۰ در کویت اقامت نموده و به تدریس در دانشگاه مشغول بود (نازک‌الملائکه و ثورة الشعر الحدیث، ۲۰۰۷: ۱) تا اینکه در نتیجه تهاجم نظامی عراق به کویت در سال ۱۹۹۰ مجبور به ترک این کشور و سفر به قاهره شد (دانشنامه آزاد.ویکیپدیا). نازک در آخرین سال‌های عمرش به بیماری پارکینسون مبتلا شد و زندگی سختی را سپری نمود. وی پس از مرگ همسرش در سال ۲۰۰۵ تحت مراقبت و سرپرستی فرزندش درمان شد. سرانجام در سال ۲۰۰۷ در یکی از بیمارستان‌های قاهره در سن ۸۴ سالگی چشم از جهان فرو بست و پیکرش در فضایی آکنده از غربت و اندوه و با حضور عده اندکی از همسایگان مصری و پناهندگان عراقی، در گورستانی خارج از قاهره به خاک سپرده شد (نازک‌الملائکه و ثورة الشعر الحدیث، ۲۰۰۷: ۲). از نازک‌الملائکه هفت مجموعه شعری به یادگار مانده است که عبارت‌اند از: *عاشقة الیل* (۱۹۴۷)، *شظایا ورماد* (۱۹۴۹)، *قرارة الموجة* (۱۹۵۷)، *شجرة القمر* (۱۹۶۸)، *مأساة الحیاه و أغنیة للإنسان* (۱۹۷۰)، *للصلاة و الثورة* (۱۹۷۷)، *یغیر ألوانه البحر* (۱۹۷۸).

وی علاوه بر شعر، کتاب‌های دیگری را نیز در زمینه‌های گوناگون به رشته تحریر در آورده است که عبارت‌اند از: *قضايا الشعر المعاصر* (نقد ادبی - ۱۹۶۲)، *الأدب و الغزو الفکری* (مجموعه سخنرانی‌های شاعر درباره شعر علی محمود طه - ۱۹۶۵)، *التجزیة فی*

۱۳۰ بررسی سنجشی مضامین سیاسی اشعار سپیده کاشانی و نازک‌الملائکه

المجتمع العربی (۱۹۷۴)، سایکولوجیة الشعر (۱۹۹۲)، الشمس التی وراء القمّة (مجموعه داستان - ۱۹۹۷) (میربصری، ۱۹۹۴: ۵۶۳).

۳. اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر شاعران

۳-۱. اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر سپیده کاشانی

از آنجایی که شعر این دو شاعر با رویکرد جامعه‌شناختی بررسی می‌گردد، لازم است به شرایط سیاسی و اجتماعی شاعران اشاره‌ای داشته باشیم تا با توجه به این شرایط، به تحلیلی جامع و مقایسه‌ای در اشعار آنان پردازیم.

بیشتر اشعار سپیده کاشانی در بردارنده مضامینی است که مربوط به دوران جنگ ایران و عراق در سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ است. قبادزاده در توضیح اوضاع اجتماعی پس از انقلاب اسلامی بر این باور است که:

در طول دهه اول عمر جمهوری اسلامی، فضای متعادلی وجود داشت و هماهنگی بالایی میان ارزش‌ها و واقعیات محیطی به وجود آمده بود. اصولی نظیر ساده‌زیستی، شهادت، گذشت، ایثار و ... ارزش‌های حاکم را تشکیل می‌دهند و در محیط نیز فضا کاملاً مطابق با این ارزش‌هاست. اگر شهادت یک ارزش است، جبهه‌ای وجود دارد که افراد می‌توانند در آن برای رسیدن به ارزش خود جانفشانی کنند. اگر ساده‌زیستی ارزش است، اکثریت مطلق مردم در آن قالب زندگی می‌کنند و حتی مسئولین مملکتی در تمام سطوح به آن احترام می‌گذارند و افراد فقیر به هیچ عنوان احساس غریبی نمی‌کنند. جنگ و وجود امام خمینی از مهم‌ترین پایه‌های مشروعیتی نظام محسوب می‌شدند که این اهمیت نیز ناشی از بُعد مذهبی آنها بود (۱۳۸۱: ۶۴ - ۶۵).

باهر در این باره می‌نویسد:

مردمی که در جریان تند انقلاب و در کوران و طوفان پرخروش آن قرار می‌گیرند، احساساتی برانگیخته و عواطفی پرشور دارند... برخورد تند با دشمن و بلاها و سرشکستگی‌ها و ظلم‌هایی که از دشمن به انسان رسیده و طعم زبونی‌ها و اسارت‌ها و خفقان‌ها و شکنجه‌هایی که از دست دژخیم دیده است، آنچنان خشم انسان‌ها را برانگیخته می‌کند که تمام نیروی نهانی بسیج می‌شود و تمام قدرتی که در ژرفای روح انسان‌ها نهفته است آشکار می‌گردد ... (۱۳۷۴: ۲۲۰).

به همین دلیل می‌توان این شور و هیجان علیه دشمن و تشویق نیروهای رزمنده را در

طول جنگ تحمیلی در میان اشعار شاعران برجسته این زمان مشاهده نمود. از سوی دیگر، شرایط داخلی جامعه و فشارهای ناشی از جنگ و تحریم، زندگی را برای مردمی که با اتکا به نیروی ایمان در مقابل دشمن ایستادگی می‌کردند، تا حدی دشوار و سخت کرده بود. درودیان شرایط جامعه در آن روزها را چنین بیان می‌کند:

گزارش‌های منتشره نشان‌دهنده افزایش مشکلات و سختی‌های روزافزون در زندگی قشرهای وسیعی از جامعه بود که عمدتاً از درآمد ثابت برخوردار بودند و در تأمین مایحتاج خود، به ارزاق کوپنی و ارزان متکی بودند. در واقع، در دوران سخت بی‌برقی، جیره‌بندی بنزین، بازار سیاه کالاهای اساسی، افزایش قیمت‌ها و تورم، نیروهای داوطلب مردمی برای اجرای عملیات، جذب و سازماندهی می‌شدند (۱۳۷۶: ۱۷۱).

اما جنگ مانع از همکاری و همدلی مردم نگردید، بلکه حس میهن‌پرستی را در آنها قوی‌تر نمود.

در دهه اول انقلاب مجموعه‌ای از نهادها برای تأمین رفاه اجتماعی و عمومی جامعه به وجود آمدند. جنگ با عراق همانند بحران گروگان‌گیری در حکم نوعی تجدید قوای چشمگیر برای جمهوری اسلامی بود. این وقایع نوعی وضعیت اضطراری ملی به وجود آورد که در آن حتی افراد مردد نسبت به حکومت هم آماده پشتیبانی از دولت بودند. جنگ عملاً به یک نبرد انقلابی ملهم از مذهب و میهن‌پرستی تبدیل شد (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۳۰۸).

چنانکه می‌دانیم، شرایط سخت سیاسی - که از سوی دولتمردان کشورهای دیگر، ایران را تحت فشار تحریم قرار می‌دهد - یکی از علل مهم نایاب شدن و یا کمیاب شدن کالاهای مورد نیاز مردم است. طوری که درودیان درباره فعالیت‌های امریکا (به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش ویژه»، شماره ۲۱۹، ۱۳۶۶/۸/۳) چنین می‌نویسد:

وزیر دفاع وقت امریکا با پذیرش تلویحی شکست امریکا در درگیری با ایران اعلام کرد: بهترین راه پایان بخشیدن به ستیزه‌جویی ایران، اجرای برنامه تحریم سازمان ملل در مراودات ایران است (۱۳۷۶: ۱۸۷).

امیراحمدی و پروین نیز شرایط دشوار سیاسی ایران در آن زمان و تأثیر آن بر زندگی مردم را این چنین بازگو کرده‌اند: «تأثیرات بحران قیمت نفت، باعث وخامت بیشتر سطح زندگی ایرانیان و دسترسی کمتر به مواد غذایی کمیاب و کالاهای مصرفی شده بود» (۱۳۸۱: ۲۱۰).

۳-۲. اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر نازک‌الملائکه

کشور عراق پس از جنگ اول جهانی تحت استعمار انگلیس قرار گرفت. جنگ جهانی اول بحران اقتصادی عراق را مانند دیگر کشورهای عربی بیش از پیش تشدید نمود. پس از تسلط انگلیس بر عراق جنبش‌های ضد استعماری یکی پس از دیگری در این کشور شکل گرفت. از جمله مهم‌ترین این قیام‌ها «الثورة العشرین» بود که به انقلاب دهه بیست شهرت یافت. در مقابل، دولت بریتانیا نیز با سرکوب هر نوع قیام سعی در تثبیت سلطه خود بر عراق داشت تا اینکه در سال ۱۹۲۱ ملک فیصل^۲ را به پادشاهی عراق منصوب نمود.

عراق در سال ۱۹۲۴ صاحب اولین قانون اساسی با رژیم مشروطه سلطنتی گردید. حکومت فیصل در عین وابستگی کامل به انگلیس از جهت برخی دستاوردها از جمله توجه به عمران و آبادانی و حفظ امنیت و روابط خارجی حائز اهمیت است. عراق از سال ۱۹۳۰ به موجب قراردادی ۲۵ ساله که میان نخست‌وزیر وقت و دولت بریتانیا منعقد شد، از زمان پذیرش در سازمان ملل به عنوان کشور مستقل شناخته شد. تا سال ۱۹۵۸ که رژیم سلطنتی عراق از هم فروپاشید، کارها در دست هواداران انگلیس و دربار هاشمی قرار داشت. جنگ دوم جهانی و کودتای نافرجام رشیدعالی کیلانی^۳ از دیگر حوادث مهم دوران حکومت سلطنتی عراق است. انقلاب ۱۹۵۸ عراق که به رهبری ژنرال عبدالکریم قاسم شکل گرفت، زمینه فروپاشی خاندان سلطنتی عراق را فراهم نموده و با استقبال عمومی مردم مواجه شد. در پی این کودتای نظامی اولین حکومت جمهوری عراق رسماً به وجود آمد. اهمیت این انقلاب ضمن براندازی حکومت سلطنتی، کوتاه نمودن ایادی استعمار انگلیس از عراق بود.

حکومت جمهوری نیز از سال ۱۹۶۱ دچار مشکلاتی گردیده و رو به ضعف نهاد. نتیجه شرایط نابسامان عراق در این سال‌ها و آشفتگی اوضاع، کودتایی بود که در سال ۱۹۶۳ توسط حزب بعث و با همکاری عبدالسلام عارف^۴ به وقوع پیوست. حزب بعث طی این کودتا دست به کشتار فراوان نیروهای انقلابی و جمهوری خواه زده، شمار بسیاری را روانه زندان‌ها نمود. این کودتا با وخامت اوضاع اقتصادی، گسترش واپس‌گرایی، افزایش دخالت بیگانگان، رکود روابط خارجی و قتل عام کردها همراه بود. عراق در سال ۱۹۶۸ نیز شاهد کودتای احمد حسن البکر^۵، بنیانگذار حزب بعث عراق بود که با نارضایتی مردم مواجه گردید. از سال ۱۹۷۰ نیز احمد حسن البکر به همراه صدام حسین تکریتی عملاً سرنوشت عراق را به دست گرفتند.

حزب بعث برای کنترل اوضاع، خفقان شدیدی را در عراق حکمفرما ساخت. رهبران بعثی با اطلاع از عدم برخورداری از پایگاه مردمی با تأسیس شبکه‌های وسیع جاسوسی و وضع قوانین خشن دیکتاتوری، هر نوع صدای مخالف را خاموش می‌ساختند. از سوی دیگر، از سال ۱۹۷۹ احمد حسن البکر تمام اختیارات خود را به صدام واگذار نمود. صدام در دوران سراسر استبداد حکومت خود، دو جنگ تجاوزکارانه را بر ضد ایران و کویت طرح‌ریزی نمود که خسارت‌های جانی و مالی فراوانی را به هر سه کشور وارد نمود.

سرانجام در پی تهاجم نظامی امریکا و هم‌پیمانانش در سال ۲۰۰۳ میلادی، حکومت دیکتاتوری صدام به طور کامل سرنگون شد. آنچه از مطالعه تاریخ معاصر عراق - یعنی دوره حیات شاعر - به دست می‌آید دورانی سراسر اضطراب و درگیری به همراه وضعیت اسفبار سیاسی - اقتصادی و فرهنگی در این کشور است (ر.ک. بیگدلی: ۱۳۶۸؛ لوتسکی: ۱۳۵۶؛ دری نیک: ۱۳۶۸؛ عزالدین: ۲۰۰۸).

۴. تحلیل و بررسی اشعار شاعران

۱.۴ تحلیل و بررسی مضامین سیاسی در اشعار سپیده کاشانی

۴-۱-۱. وطن

وطن از جمله بن‌مایه‌هایی است که در شعر کاشانی به وضوح دیده می‌شود. برخی از اشعار او در ارتباط با پیروزی انقلاب و آزادی وطن از حکومت شاهنشاهی است، برخی نیز مربوط به زمان جنگ و پس از آن است. به طور مثال مشهورترین شعر او، غزل «بهار است و هنگام گل چیدن من» در آغاز انقلاب و با موضوع مقاومت و پایداری در مقابل دشمن سروده شده است. همچنین می‌توان به موارد زیر در مجموعه اشعار سپیده کاشانی اشاره نمود:

- ای خاک لاله‌پرور، بر سینه صبور/ طغیان رود ایثار در اوج آزمون است (کاشانی، ۱۳۸۹: ۳۰).

- مشتی از خاک برگیر، خاک این بوم، آری/ تا ببوی از این خاک، آشنا عطر یاری (همان: ۲۷۸).

به طور کلی بسامد مضمون وطن در شعر سپیده کاشانی شانزده و دربردارنده

موضوعاتی همچون پیروزی انقلاب اسلامی، مقاومت در برابر سختی‌ها، عشق به وطن و آزادی کشور است که در جدول ۴-۱-۱. نشان داده شده است:

جدول ۴-۱-۱. بسامد مضمون وطن در شعر سپیده کاشانی

۶	پیروزی انقلاب اسلامی
۱	مقاومت در برابر سختی‌ها
۷	عشق به وطن
۲	آزادی
۱۶	جمع کل

۴-۱-۲. اشاره به شخصیت‌های انقلابی ایران

شخصیت‌های مهم انقلابی از جمله بنیانگذار جمهوری اسلامی و شخصیت‌های دیگری که در پیروزی و ماندگاری انقلاب سهیم بوده‌اند و همچنین افراد مهم کشوری که به شهادت رسیده‌اند، در شعر سپیده کاشانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند که در اینجا به پاره‌ای از آن اشاره می‌شود:

امام خمینی (ره)

- گو که سواری ز خمین آمده/ عاشق و خونخواه حسین آمده (کاشانی، ۱۳۸۹: ۲۱۰).

شهید رجایی و شهید باهنر

- رباعی «رجایی و باهنر» با مطلع: با هم دو پرنده، خوش به پرواز شدند... (همان: ۳۱۲).

علامه طباطبایی

- رباعی «فخر دیار علم» با مطلع: ای رفته ز دیده و به دل گشته نهان!... (همان: ۳۱۳).

شهید صدوقی

- کل شعر «ای خوش آن لحظه که از کنگره عرش...» با مطلع: یارب، از دیده به رخ، اشک چو سیلاب گذشت/ تا که خونین بدنی، باز ز محراب گذشت (همان: ۲۱۱).

شایان یادآوری است اشعار دیگری درباره شخصیت‌های انقلابی همچون مدرس، صدوقی، مفتاح، مطهری و ... نیز سروده شده است. بسامد دقیق این مضمون در جدول ۴-۱-۲. نشان داده شده است.

جدول ۴-۱-۲. بسامد اشاره به شخصیت‌های مهم سیاسی در شعر سپیده کاشانی

۲۵	امام خمینی (ره)
۱	شهید رجایی و شهید باهنر
۳	علامه طباطبایی
۲	شهدای بهارستان
۱	شهید مفتاح
۲	شهید مطهری
۲	شهید مدرس
۱	شهید صدوقی
۳۷	جمع کل

۴-۱-۳. جنگ و عوامل مربوط به آن

از آنجایی که سپیده کاشانی شاعر جنگ بوده، در زمان جنگ می‌زیسته و خود نیز از نزدیک، جبهه‌های جنگ را دیده است، مضمون جنگ و عوامل مربوط به آن از جمله اشاره به مجروحان، مفقودالانرها، اسیران، جانبازان، شهیدان، جبهه، جنگ، ابزارآلات جنگی، رزمندگان، امید به پیروزی در جنگ و دیگر مصادیق مرتبط در میان اشعار او به وفور دیده می‌شود. بسامد این مضامین در جدول ۴-۱-۳. نشانه داده شده و در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

رزمندگان

- دعای ما نثارت ای دلاور دلیر ما! / که استقامتت خجل نموده کوهسار را (کاشانی، ۱۳۸۹: ۲۲).

مجروحان جنگ

- زخمی ست بال و سینه‌شان، زخمی ست / از سیم‌های خاردار (همان: ۳۲۶).

اسرای جنگی

- از ژرف زندان بیداد، بانگ اسیران برآمد / گفتم: برادر، شنیدم آوای دردآور تو! (همان: ۲۷۶).

جانبازان

کل شعر «احساس جانباز» با مطلع: سینه پر از عطر دعا کرده‌ام / سیل زهر دیده رها کرده‌ام (همان: ۷۹).

شهیدان

روی آن دیوار عکس آشناست/ من نمی‌دانم نام او اما ز ماست (همان: ۱۳۰).
بهار شد، بهار شد، وطن چو لاله‌زار شد/ تا که شمارد این همه لاله بی‌شمار را؟
(همان: ۲۱).

مفقودالائرها

هنگام عروج ماند خاکسترشان/ این‌گونه بود، نشان پیغام شهید (همان: ۳۰۸).

جبهه جنوب

صحرا نگر، هامون نگر، بر ساحل کارون نگر/ هر سو سخن زان پیر، زان نیکو خصایل
می‌رود (همان: ۶۳).

جدول ۴-۱-۳. بسامد جنگ و مصادیق آن در شعر سپیده کاشانی

۲۴	ابزارآلات جنگی
۱۹	رزمندگان
۸	تهییج رزمندگان به جنگ
۶	امید به پیروزی در جنگ
۶۶	شهدا
۱	مفقودالائرها
۲	مجروحان جنگی
۱	اسرای جنگی
۱	جانبازان
۱	آزادگان
۱۴	جبهه جنوب: خرمشهر، آبادان و...
۱	بعثیان عراقی
۱۴۴	جمع کل

۴-۱-۴. صلح و دوستی

کاشانی در شعر «اینک این ما و این تاریخ»، از سویی اندوهگین از شرایط جامعه و به شهادت رسیدن جوانان و نوجوانان ایران و از سوی دیگر، خواهان صلح و دوستی است. اشاره به صلح و دوستی در شعر او چنین نمود یافته است:

ای بشر، گل بیفشان! گل به جای گلوله / دوستی هدیه آور از ره رستگاری / با پری از محبت، سیر عرش خدا کن / ... دشمنی، کینه توزی، غیر نفرت نزاید / حاصل آن گل رنج، در هوایی غباری / دشمن، ای دشمن من، تا به کی کینه توزی؟! (۱۳۸۹: ۲۷۸-۲۸۱).

۴-۱-۵. اشاره به حوادث مهم

سپیده کاشانی به حوادث خاصی که در زمان‌های مختلف رخ داده، توجهی خاص نشان داده و متناسب با هر یک از این رخدادها، اشعاری را سروده است که در ذیل به نمونه‌هایی از آن می‌پردازیم:

۱۷ شهریور

- کل شعر «در جمعه‌ای به رنگ گل شب» با مطلع: گفتند: دشتهای شقایق / در بستر بهار / می‌روید از زمین (کاشانی، ۱۳۸۹: ۴۶۲).

جمعه خونین مکه (۹ مرداد ۱۳۶۶)

- دشمن، محبان کسا را کشت / در کعبه، مهمان خدا را کشت (همان: ۱۹۴).

۱۵ خرداد ۱۳۴۲

- کل شعر «شکفت از دل شب، مهر نیمه خرداد» (همان: ۲۵۰).

حادثه بمب‌گذاری در هفتم تیر

- هفتم تیر آمد و در سال شصت / شاخی از این سرو تناور شکست (همان: ۲۱۳).

حکم ارتداد سلمان رشدی

- کل شعر «ندیده دیده به رسوایی تو، ای مسلمان!» با مطلع: شنو حکایت ابلیسی از قبیله شب / که می‌برد ز پلیدان روزگار، نسب (همان: ۶۳).

جدول ۴-۱-۵. بسامد اشاره به حوادث خاص در شعر سپیده کاشانی

۱	هفدهم شهریور
۲	جمعه خونین مکه
۲	۱۵ خرداد ۱۳۴۲
۲	هفتم تیر
۱	حکم ارتداد سلمان رشدی
۸	جمع کل

۴-۱-۶. زنان و مبارزه

چنانکه در اشعار زیر ملاحظه می‌گردد و با توجه به جدول ۴-۱-۶، بیشتر توجه کاشانی به صبر و پایداری زنان به ویژه مادران شهداست:

- مادران، این صابران روزگار/ باغ گل کردند بر جانان نثار (کاشانی، ۱۳۸۹: ۱۳۰).
 - لختی دگر کن صبر، ای مادر دعا کن/ آیند فرزندان تو، آغوش وا کن/ بر ره گلاب خون می‌افشانند و آیند/ تا عقده دل، روی دامانت گشایند (همان: ۱۷۲).
 وی همچنین بر مسئله حجاب زنان تأکید ویژه‌ای دارد و چنین می‌سراید:
 - ای زن حجاب تو سلاح توست! / راه سعادت و فلاح توست (همان: ۴۸۲).
 و در جایی دیگر در شعری با نام «شیر زنان ایران» که آن را تقدیم به «زنان دلیرپرور میهن اسلامی» نموده است؛ چنین می‌سراید:
 - گردآفرین، آفرین باد بر صبر بارآور تو/ رشک بهارست ای زن، دامان گل‌پرور تو (همان: ۲۷۵).

- کاخ ستم را فروریخت فریاد عصیانگر تو/ یک دست قرآن و دستی آن شعله‌ور مشعل تو (همان: ۲۷۶).

کاشانی همچنین در شعری سپید با عنوان «مادران دیروز، مادران فردا» ضمن مقایسه این دو نسل، مادران دیروز را برتر از مادران امروز (زمان شاعر) می‌داند و چنین می‌سراید:

مادران دیروز/ ای نگهبانان پاکی و نور/ که طنین گرم لالایی‌های شما/ از دل گهواره/ با دم عشق/ قهرمان می‌رویاند... / مادران امروز/ فتنه‌گر بر بوم «پوسترها»/ تا گریبان‌ها را چاک زدند/ پایشان آهنگ شوق نریخت/ دامن چرکینشان زهد نزا... (همان: ۴۴۰)

جدول ۴-۱-۶. بسامد اشاره به زنان و مبارزه در شعر سپیده کاشانی

۱۱	صبر و پایداری زنان
۴	حجاب زنان
۱	قهرمان‌پروری
۱۶	جمع کل

۴-۱-۷. انتقاد از دشمنان و جوامع بشری

سپیده کاشانی در شعری که درباره «هرزگوین» سروده، به انتقاد از جوامع بشری می‌پردازد و بر بی‌عدالتی‌های زمانه چنین می‌تازد:

- نهال عشق گل آذین بود اگر ز عدل ثمر می داشت / جهان ز عدل پرآوا بود اگر حقوق بشر می داشت (کاشانی، ۱۳۸۹: ۱۵۰).

او همچنین دشمن اصلی ایران را منافقانی می داند که سعی در برانداختن و نابود کردنش دارند و در مذمت آنان چنین می سراید:

- ای منافق، تا به کی بر ظلمت شب خیره گردی؟ / تا بتابد اختری بر شام تارت، ای بداختر؟ (همان: ۲۶۱).

- منافقید و سیه دل سپرده گوش، دریغ / به بانگ بوم ملال آور شبانه هنوز! (همان: ۲۷۰)

جدول ۴-۱-۷. بسامد انتقاد از جوامع بشری و دشمنان در شعر سپیده کاشانی

۱	بی عدالتی ها
۸	منافقان
۹	جمع کل

۴-۱-۸. اشاره به مسائل سیاسی دیگر کشورها

کاشانی نسبت به مسائل سیاسی برون مرزی اطلاعات کافی داشته و چنانکه در جدول ۴-۱-۸ مشاهده می کنیم، مسئله فلسطین از نظر او اهمیت والایی داشته است؛ طوری که قطعه «فرزند بی گناه» را به یاد دوشنبه سیاه (۱۶ مهر ۶۹)، کشتار فرزندان مظلوم فلسطین در قدس سروده است (کاشانی، ۱۳۸۹: ۲۹۱). در ذیل به نمونه هایی از این اشعار اشاره می گردد:

فلسطین (قدس)

کل شعر «تا بیت المقدس...» با مطلع: سنگر خون، چشمه خون، شهر خون / ای شفق از داغ غمت لاله گون / لحظه پیروزی تو عید ماست... (همان: ۲۰۶)

لبنان

- کل شعر «خنده های موج» با مطلع: آیا پرنده های قشنگ تو / که زیر طاق ساکت ایوان ها / و اوج کاج های سترون / کاشانه داشتند / تا سرزمین سبز کجا کوچ کرده اند؟ (همان: ۴۷۰)

هرزگوین و صربستان

- کل شعر «هرزگوین، شهید غربت قرن» با مطلع: نهال عشق گل آذین بود اگر ز عدل ثمر می داشت / جهان ز عدل پرآوا بود اگر حقوق بشر می داشت (همان: ۱۵۰)

اسرائیل

- برد بر سرو و سوسن یورش مرگباری/ دست ننگین صهیون با بسی مکر و افسون
(همان: ۲۸۰)

امریکا و مجسمه آزادی

... / می‌بینی آنجا در آن بلند دور/ بر پای آن تجسم آزادی/ بر پای آن مجسمه پوچی /
سیمان سخت اسارت ماسیده است!

جدول ۴-۱-۸. بسامد اشاره به مسائل سیاسی دیگر کشورها در شعر سپیده کاشانی

۳	فلسطین (قدس)
۱	لبنان
۱	هرزگوین و صربستان
۱	پاکستان
۱	سوریه (دمشق)
۲	اسرائیل
۱	امریکا
۱۰	جمع کل

۴-۲. تحلیل و بررسی مضامین سیاسی شعر نازک‌الملائکه

۴-۲-۱. اشاره به شخصیت‌های انقلابی

جمال عبدالناصر^۶

- فجرُنَا لَاحَ اَبِضاً عَرِيباً
أَطْلَعْتَهُ فِي الْاَفْقِ كَفَا (جمال)
نَاصِرِ الْحَقِّ وَالْعَرُوبَةِ اَحْيَى
كُلُّ حُلْمٍ مَقْطَعِ الْاَوْصَالِ^۷

(ملائکه، ج ۲: ۳۶۳)

عبدالسلام عارف

والملايينُ تحمِلُ في يديها ورده
يَاصِيرُ الْعَرُوبَةِ وَالْحَقِّ وَالْوَحْدَةِ
لَكَ عِبْدُ السَّلَامِ
يَا عَدُوَّ الظَّلَامِ^۸

(همان، ۳۳۱)

جمیله بو حیرد^۹

- جمیله! تبکین خلف المسافات، خلف البلاد / وترخین شَعْرکِ کَفِّکِ دمعکِ فوقَ الوِساد^{۱۰}
(همان: ۳۵۱)

جدول ۴-۲-۱. بسامد اشاره به شخصیت‌های مهم سیاسی در شعر نازک‌الملاتکه

۱	جمال عبدالناصر
۱	عبدالسلام عارف
۱	جمیله بو حیرد
۳	جمع کل

۴-۲-۲. اشاره به حوادث خاص در عراق

وحدت سه گانه اعراب

- کم حلْمنا بو حدة العربِ الکُب رى و همنا بفجرِها الوضَاء^{۱۱}

(همان: ۳۶۰)

تشکیل جمهوری عراق

- جمهوریتنا دفقةً خیر مسکوبه / تقطُر إیماناً و عُرُوبه / جمهوریتنا ضوءاً، عَطْرٌ، و عَذُوبه / تقطُر
من أحرْفُها الطیبه^{۱۲} (همان: ۳۱۱)

جدول ۴-۲-۲. بسامد اشاره به حوادث خاص کشور

۱	وحدت سه گانه اعراب
۱	تشکیل جمهوری عراق
۲	جمع کل

۴-۲-۳. جنگ

ذم جنگ

لَمْ یكد یستفیک من حربِه الأو لى و یُهنا حتى رمته الرزایا
رحمةً یا حیاةً حسبک ما سا ل على الارض من دماء الضحایا^{۱۳}

(همان، ج: ۱: ۳۹)

— هکذا شاءت المقادیر للعا- لَمْ، إثمٌ، وشقوةٌ و حُرُوبُ

(همان: ۴۴)

- أَيْنَ يَا وَي السَّلَامُ وَالْحَبُّ؟ يَا لَلْ - حربٍ لَمْ تُبْقِ فِي الثَّرَى انْسَانَا
(همان: ۲۲۹)

- أَسْفَا لَمْ تَدْعَ لَنَا الْحَرْبُ شَيْئاً - وتلاشَى الحُلْمُ الطَّرُوبُ الجميلُ
(همان: ۲۹۶)

شهید

- كَمْ شَهِيدٍ مِنْ يَعْربٍ مَاتَ عَطَشَا - نَ عَلَيْهَا مَمزَقَ الآمَالِ^{۱۴}
(همان، ج: ۲: ۳۶۳)

- ومن القبر المعطر / لم يزل منبعثاً صوتُ الشهيد / طيفه أثبتُ من جيش عنيد^{۱۵} (همان: ۱۶۹)
- غداً غداً يختليج اسمُ الله في القدس و في الخليل / ينتفض العدلُ المدمى صارخاً، يستيقظُ
القتيلُ / تنبتُ من دمائِهِ، زهره^{۱۶} (همان: ۵۰۱)

دعوت به صلح

- يا ملاكَ السَّلَامِ أَقْبِلِ مِنَ الأَجْ - واءِ و اهبطِ على الوجودِ الكتيبِ^{۱۷}
(همان، ج: ۱: ۴۰)

- كَمْ تَغْنَى بِالسَّلْمِ وَالْحُبِّ وَالرَّحْمَ - مةٍ مِنْ شاعِرٍ وَمِنْ فَيْلسُوفِ^{۱۸}
(همان: ۴۴)

- يا نَشِيدَ السَّلَامِ يا ساكناً في - قعراً أحلامينا وراءَ مُنَانَا
رفاً فوقَ الدنيا الحزينةِ و ابعثْ - لحنَ حبِّ في تيهنا و دُجانا^{۱۹}
(همان: ۲۹۴)

- فالنواقيسُ على البُعدِ، أغانٍ - بشَّرتْ بالفجرِ أحزانَ الزمانِ
وَصَدَى السَّلْمِ على كلِّ لسانِ - فاتنَ النعمةِ غلوى المعاني^{۲۰}
(همان: ۴۷۲)

جدول ۴-۲-۳. بسامد جنگ و مصادیق آن

۴	ذم جنگ
۴	دعوت به صلح
۳	شهید
۱۱	جمع کل

۴-۲-۴. زنان و مبارزه

دعوت به مبارزه و مشارکت سیاسی زنان

– كنتَ الفدائيَ أنتَ، الفدائيةُ القاتنةُ/أنا، وكُنَّا مُبتَسِمِينَ/يَجْمَعُنَا الحُبُّ والموتُ والحلمُ، نحنُ
كُنَّا/منتَصِرِينَ^{۲۱} (همان، ديوان يغير الوانه البحر، ۱۹۹۸: ۱۷۷)

الگوسازی

– جميلةٌ تَبْكِينُ خَلْفَ المسافاتِ، خَلْفَ البلادِ/وترخينَ شَعْرَكَ كَفَكَ دمعَكَ فوقَ الوِسادِ^{۲۲}
(ملائكه، ديوان، ج ۲: ۳۵۱)

دعوت به بيدارى و آگاهی

– صيدا تُقضى ليلَةٌ مروَّعةٌ/خريطةٌ جديدةٌ موسَّعةٌ /.... /لبنانُ يَنهارُ جنوباً. غارةٌ/ فوقَ القنالِ
مُزَمَّعةٌ/سيدتى ماذا ستَلْبَسين؟^{۲۳} (همان: ۴۷۸)

جدول ۴-۲-۴. بسامد مسائل مربوط به زنان

۱	دعوت به مبارزه و مشارکت سیاسی زنان
۱	الگوسازی
۱	دعوت به بيدارى و آگاهی
۳	جمع کل

۴-۲-۵. انتقاد از جوامع بشری

– و لِمَن تَشْكُو؟ لا أَحَدٌ يُنصِتُ أو يُعْنَى
و الناسُ قنَاعٌ مصطنعُ اللونِ كَذوبُ
والمجتمعُ البشريُّ صرِيحٌ روىٌ وكُؤوسُ
البشريةُ لفظٌ لا يسْكُنُه معنى
خلفَ وداعتهِ اختبأ الحقدُ المشبوبُ
والرحمةُ تبقى لفظاً يقرأ فى القاموس^{۲۴}

(همان: ۱۹۳)

– نحنُ هُنَا اضعنا الدينَ/وقاتلنا احببنا الفدائيينَ/سَكينا الدمَ فى بيروتَ، اهرقناه فى عَمَّانِ/
بأيدينا جعلنا ارضنا مقصلةً الانسان^{۲۵} (همان، ۴۴۶)

– لماذا يُغارُ علينا و نَرْضَى؟ ويسقطُ منَّا المئاتُ/ونستقبلُ القصفَ والطائراتَ/كأنَّ القنابلَ
فوقَ مدائننا ياسمينُ/..../لماذا يضيعُ الدمُّ العربىُّ؟ وكيفَ يهونُ؟^{۲۶} (همان: ۴۸۴)

٤-٢-٤. مسائل سياسى ديگر كشورها

فلسطين / اسرائيل

— غداً فلسطينُ لنا كُلُّها كأنَّ اسرائيلَ لم توجَد^{٢٧}

(همان، ج:٢: ٣٤٦)

— مليكى طالت الرحلة، طالت، وانقضت احقاب / وبين عوالم مُقفلّة أبحرت، اسأل، اسألُ
الابواب / حملتُ معي جراحاتِ الفدائين / وطعم الموتِ في ايلول، طعم الطين / حملتُ معي همومَ
القدس) يا ملكي وجرح (جنين)^{٢٨} (همان: ٤٤٥)

— الف عذر منك يا سيدتي، واعلمى أن الصهايين لهم / منطق الذئب، وذوق السمكه^{٢٩}
(همان: ٤٤٩)

— وستمطر الدنيا على المُدن الجديده / ومن اليباب سيطلع الغصن الوريق /... / وخيامنا
الرتاتُ تخرج من متاهتها الرهيبة / وتزول اسرائيلُ من قلب العروبه^{٣٠} (همان: ٤٥٨)

— غداً نعود الى فلسطين، فبالكؤوس حررنا تراب الوطن المفقود^{٣١} (همان: ٤٨٠)

— غداً غداً يختليج اسم الله في القدس و في الخليل / ينتفض العدل المدمي صارخاً، يستيقظ
القتيل / تثبت من دماؤه زهره^{٣٢} (همان: ٥٠١)

— سلامٌ عادلٌ دائم / سلامٌ و الفلسطينيُّ في الفلوات، تحت الريح / طيف ضائع هائم / شريدٌ في
جبال الشوك والاحزان^{٣٣} (همان: ٥١١)

— سأطير، اغرس خنجراً في باب (عكا) / وأقيم حول (القدس) أرصفة الصواعق / ازرع
الاسوار شوكا / وأدك (تل أبيب) دكا^{٣٤} (ملائكة، ديوان يغير الوانه البحر، ١٩٩٨: ١٢٣)

سوريه

— حبيبتى القنيطره^{٣٥} / راجعة من السفر / ايقاع تذكاراتها: حرائق، دم، حفر^{٣٦} (همان: ١٨٧)

لبنان

— جنوب لبنان قرى مروعه / اوصالها مقطعه / سكّانها الى القبور جثث مشيعه / بيوتهم خرائب
منثورة، اعمدة مخلعه / حرائق مندله^{٣٧} (ملائكة، ديوان، ج:٢: ٤٧٩)

— من البحر اقبل، هاجم بيروت تحت الظلام / وجاس الشوارع ينسف، يذبح / ويصدح في كفه
طائر الموت يصدح^{٣٨} (همان: ٤٨٣)

امريكا

— في اضلعنا يا وردتنا الجمهوريه / في اعيننا نامى فلصوص الورد كثار / أعداء العطر العابق،

معصومه نعمتی قزوینی و طاهره ایشانی ۱۴۵

تُجَارُ الْأَزْهَارُ / أَيْقَظَ عَطْرُكَ فِيهِمْ اشْوَاقاً ذَبِيهَ / السُّوقُ صَحَاً يَا وَرْدُ حِذَارٍ / مِنْ نَقْمَتِهِ الصَّهْيُونِيهِ / وَمَخَالِبِهِ الْأَمْرِيكِيهِ^{۳۹} (همان: ۳۱۳)

- أَمْرِيكَةٌ تَدَعِمُ تَلَّ أَيْبَبٍ مِنْ أَرَصْدَةِ الْعَرُوبَةِ الْمُجْمَعَةِ^{۴۰} (همان: ۴۸۰)

- قَبْلَ يَوْمِ السَّبْتِ كُنَّا / فِي صَبَاحِ السَّبْتِ أَصْبَحْنَا / وَأَمْرِيكَا تُرِيدُ / مَحْوَ يَوْمِ السَّبْتِ مِنْ أَعْمَارِنَا / خَسَّتْ فَالسَّبْتُ مِيلَادٌ جَدِيدٌ^{۴۱} (همان: ۵۰۷)

مصر

- جَنُودُ مِصْرٍ نَقْمَةٌ مَنفَجْرُهُ / وَحُرْقَةٌ إِلَى كُؤُوسِ الْمَاءِ لَا تَنَامُ / أَيْمَانُهُمْ صَيَّرَ سَيِّئاً لَطِيَّارِي الْيَهُودِ مَقْبَرَهُ^{۴۲} (ملائكه، ديوان يغير الوانه البحر: ۴۹)

جدول ۴-۲-۶. بسامد اشاره به مسائل سیاسی دیگر کشورها

۸	فلسطين / اسرائيل
۲	لبنان
۱	سوريه
۱	مصر
۳	امريكا
۱۵	جمع كل

۵. تحلیل و مقایسه

بر اساس بررسی‌های صورت گرفته در دیوان سپیده کاشانی و نازک‌الملائکه - که هر دو از شاعران سیاسی در ایران و عراق محسوب می‌شوند - بسامد مضامین سیاسی مطرح شده در شعر آنان اندازه‌گیری و در جدول ۵-۱ نشان داده شده است. از آنجایی که بسامد کل در شعر این دو شاعر متفاوت است، به منظور تحلیل و مقایسه دقیق، درصد این مضامین نیز سنجیده شده است. بنابراین، با توجه به این جدول می‌توان به بررسی و تحلیل سنجشی مضامین سیاسی این دو شاعر پرداخته و وجوه اشتراک و اختلاف را بیان نمود.

جدول ۵-۱. بسامد و درصد کل مضامین سیاسی در اشعار کاشانی و ملائکه

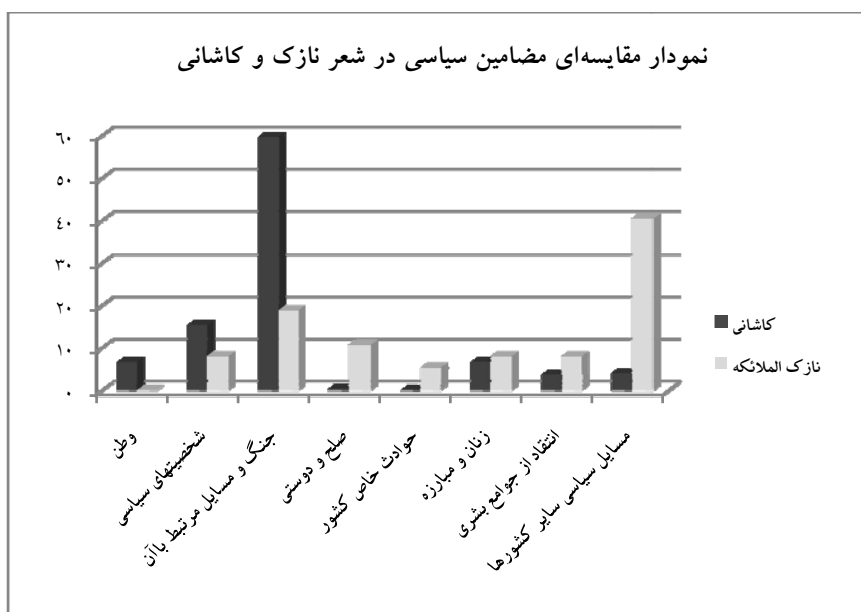
نازک الملائکه	سپیده کاشانی	مضامین	
-	۱۶	بسامد	وطن
۰٪	۶/۶۳٪	درصد	
۳	۳۷	بسامد	اشاره به شخصیت‌های مهم سیاسی
۸/۱۰٪	۱۵/۳۵٪	درصد	
۷	۱۴۴	بسامد	جنگ و مسائل مرتبط با آن
۱۸/۹۲٪	۵۹/۷۵٪	درصد	
۴	۱	بسامد	صلح و دوستی
۱۰/۸۱٪	۰/۴۱٪	درصد	
۲	۸	بسامد	اشاره به حوادث سیاسی
۵/۴۰٪	۳/۳۱٪	درصد	
۳	۱۶	بسامد	زنان و مبارزه
۸/۱۰٪	۶/۶۴٪	درصد	
۳	۹	بسامد	انتقاد از جوامع بشری و دشمنان
۸/۱۰٪	۳/۷۳٪	درصد	
۱۵	۱۰	بسامد	اشاره به مسائل سیاسی سایر کشورها
۴۰/۵۴٪	۴/۱۵٪	درصد	
۳۷	۲۴۱	جمع کل	

با توجه داده‌های به دست آمده در این پژوهش می‌توان گفت:

- مضامین مشترک سیاسی در اشعار این دو شاعر عبارت‌اند از: اشاره به شخصیت‌های مهم سیاسی و انقلابی، جنگ و مسائل مرتبط با آن، صلح، اشاره به حوادث مهم سیاسی، زنان و مبارزه، انتقاد از جوامع بشری و دشمنان و اشاره به مسائل سیاسی دیگر کشورها.
- مضامین «اشاره به حوادث مهم سیاسی» و «زنان و مبارزه» تقریباً یکسان - با کمی اختلاف - در شعر هر دو شاعر به کار گرفته شده است.
- مضمون «وطن» در شعر کاشانی مطرح شده ولی در شعر نازک‌الملائکه به طور صریح ذکر نشده است. این مسئله را می‌توان ناشی از این موضوع دانست که نازک‌الملائکه بیشتر شاعری قومیت‌گرا بوده است.

- «صلح و دوستی» و «اشاره به مسائل سیاسی سایر کشورها» در شعر نازک‌الملائکه (به ترتیب ۱۰/۸۱٪ و ۴۰/۵۴٪) ده برابر بیشتر از شعر کاشانی (به ترتیب ۰/۴۱٪ و ۴/۱۵٪) انعکاس یافته است.

- مضمون «جنگ و مسائل مرتبط با آن» در شعر کاشانی (۵۹/۷۵٪) تقریباً سه برابر این مضمون در شعر نازک (۱۸/۹۲٪) مورد توجه بوده است. دلیل اصلی این موضوع، شرایط اجتماعی و سیاسی عصر سپیده کاشانی است که از نزدیک، جنگ را حس کرده و حتی برای تهییج رزمندگان به جنگ، مقاومت و پیروزی در مناطق جنگی حضور یافته است. همچنین این امر می‌تواند برگرفته از نگاه مثبت کاشانی به جنگ یا به عبارت بهتر «دفاع مقدس» باشد حال آنکه نگاه ملائکه به جنگ، نگرشی کاملاً منفی و تجاوزکارانه است. بررسی مقایسه‌ای و سنجشی مضامین سیاسی در شعر این دو شاعر در نمودار زیر نشان داده شده است:



۶. نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث مطرح شده در این پژوهش می‌توان گفت هر دو شاعر در به تصویر کشیدن حوادث و رویدادهای سیاسی عصر خویش از نگرشی واقع‌گرایانه و در عین حال

اندیشه‌ای فرامرزی برخوردار بوده‌اند. نمونه‌های استخراج شده، ضمن بیان وجوه شباهت اشعار سیاسی، حاکی از تفاوت‌هایی است که به فراخور شرایط محیطی آنها ایجاد شده است. به عنوان نمونه حضور مستقیم در فضای جنگ یا نگرش مثبت به آن، بسامد اشعار مرتبط با جنگ را در اشعار کاشانی به حد قابل ملاحظه‌ای افزایش داده است و یا اینکه فضای قومیت‌گرایانه حاکم بر کشورهای عربی، بسامد اشعار مرتبط با سایر کشورها - کشورهای عربی - را در شعر ملائکه افزایش داده و او را از پرداختن به اشعار وطنی صرف باز داشته است. انعکاس مسائل سیاسی در اشعار هر دو شاعر علاوه بر اینکه می‌تواند نشان‌دهنده حضور مؤثر و فعال زنان شاعر در عرصه سیاسی و ادبی هر جامعه باشد، خود تأییدی بر نظریه اجتماعی ادبیات است که آن را همواره متأثر از بسترهای اجتماعی و سیاسی می‌داند.

پی‌نوشت

۱. ژنرال عبدالکریم قاسم، نظامی چپ‌گرای عراقی در روز ۲۳ تیر ۱۳۳۷ در کودتای ضدسلطنتی عراق (۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸) به حیات رژیم پادشاهی فیصل در عراق خاتمه داد.
۲. فیصل بن حسین ملقب به شاه فیصل اول (مه ۱۸۸۳ - ۸ سپتامبر ۱۹۳۳) اولین پادشاه عراق مدرن و بنیانگذار سلسله هاشمی عراق بود.
۳. رشید عالی کیلانی (۱۸۹۲-۱۹۶۵) در زمان حکومت سلطنتی عراق در سه دوره به عنوان نخست وزیر انتخاب گردید. محور عمده سیاست‌های وی مبارزه با استعمار انگلستان و تلاش برای تحقق وحدت عربی بوده است.
۴. عبدالسلام عارف (۱۹۲۱ - ۱۹۶۶) رئیس‌جمهور کشور عراق بین سال‌های ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۶ بود. سرهنگ عبدالسلام عارف در ۸ فوریه ۱۹۶۳ با کودتا علیه عبدالکریم قاسم و قتل او، قدرت را در دست گرفت و اعضای حزب بعث عراق را وارد کابینه خود کرد. عارف در سال ۱۹۶۶ در یک حادثه مشکوک هوایی کشته شد و برادرش عبدالرحمن عارف به قدرت رسید.
۵. ژنرال احمد حسن البکر (۱ جولای ۱۹۱۴ - ۴ اکتبر ۱۹۸۲)، چهارمین رئیس‌جمهور عراق بود که از سال ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۹ پست ریاست جمهوری عراق را در اختیار داشت. حسن البکر در اوایل دوران خدمت نظامی و در سال ۱۹۴۱ در شورش نظامی عبدالرشید علی دستگیر و زندانی شد و به اجبار از ارتش کناره‌گیری کرد، ولی در سال ۱۹۵۷ به ارتش بازگشت. او عضو گروه افسران آزاد بود، گروهی که سلطنت را در سال ۱۹۵۸ سرنگون کرد. وی مجدداً در سال ۱۹۵۹ به خاطر برخی اتهامات سیاسی مجبور به کناره‌گیری از ارتش شد.

۶. جمال عبدالناصر (۱۵ ژانویه ۱۹۱۸ - ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۰) دومین رئیس‌جمهور مصر از ۱۹۵۶ تا هنگام مرگ بود. وی به همراه محمد نجیب، نخستین رئیس‌جمهور، انقلاب ۱۹۵۲ این کشور را رهبری کرد که سبب سرنگونی پادشاهی مصر و سودان شد. وی در کشور خود به تسریع روند مدرنیزاسیون و اجرای اصلاحات سوسیالیستی دست یازید و با ترویج اندیشه‌های پان عربی برای مدت کوتاهی مصر را با سوریه متحد کرد و جمهوری متحده عربی را بنیان گذاشت.
۷. شاعر این ابیات را در هفدهم نیسان (آوریل) سال ۱۹۶۳ هنگام اعلام وحدت سه‌گانه عربی سروده و در آن ضمن تشبیه این واقعه به طلوع فجر عربی، جمال عبدالناصر رهبر قومیت‌گرای عرب را نیز مورد مدح قرار داده است.
۸. ملائکه این ابیات را هنگام دستگیری عبدالسلام عارف، به جرم توطئه سروده و به این وسیله ضمن مدح وی، نارضایتی خود را از این واقعه اعلام داشته است.
۹. جمیله بوحیرد متولد ۱۹۳۵ و یکی از مبارزان برجسته جبهه ملی آزادی‌بخش الجزایر بود که در سال ۱۹۵۷ در جریان یکی از درگیری‌های مبارزاتی مجروح و دستگیر شد. وی پس از تحمل روزها شکنجه و عذاب در زندان، در جریان دادگاهی فرمایشی به اعدام محکوم شد. در پی اعلام روز ۷ مارس ۱۹۵۸ برای اجرای حکم اعدام، بسیاری از کشورهای دنیا و به ویژه کمیته حقوق بشر سازمان ملل خواهان تعویق اجرای حکم شدند و در نهایت محکومیت وی به حبس ابد تغییر یافت. پس از آزادی الجزایر، بوحیرد نیز از زندان آزاد شده و با وکیل فرانسوی خود ازدواج نمود.
۱۰. شاعر در این ابیات ضمن اشاره به رنج و اندوه جمیله بوحیرد به عنوان زنی مبارز، سعی داشته الگوی زنی مبارز را برای زنان عرب ترسیم نماید.
۱۱. شاعر در این اشعار که به مناسبت تحقق جمهوری سه‌گانه اعراب سروده شده، خشنودی خود را از طلوع فجر وحدت و پایان انتظار بیان نموده است.
۱۲. این ابیات به مناسبت وقوع انقلاب عبدالکریم قاسم در سال ۱۹۵۸ سروده شده که در آن شاعر این انقلاب را جوششی برخاسته از ایمان و عربیت مردم عراق برشمرده است.
۱۳. این اشعار در ذم جنگ دوم جهانی سروده شده است. شاعر اندوه و نگرانی خود را از آغاز جنگ جهانی دوم با فاصله اندکی از جنگ جهانی اول ابراز داشته است و از روزگار خواسته که دست از کشتار انبای بشر بردارد.
۱۴. این بیت درباره شهیدانی است که در راه تحقق وحدت عربی با لبان تشنه جان داده‌اند.
۱۵. شاعر این ابیات را در مدح شهیدانی سروده که حتی پس از مرگشان صدای آنها همچنان از مقبره‌های معطرشان به مشام می‌رسد.
۱۶. شاعر در این ابیات آینده فلسطین را به تصویر می‌کشد که در آن طنین نام خدا پراکنده شده و شهیدان با رویش گل از مزارشان گویی دوباره زنده می‌شوند.

۱۷. شاعر در این بیت خواهان این است که صلح و آشتی به غمخانه هستی روی آورد.
۱۸. شاعر در این بیت صلح و مهرورزی را دغدغه بسیاری از شاعران و فیلسوفان می‌داند.
۱۹. شاعر در این ابیات خواستار این است که آرزوی دیرینه بشر در برقراری صلح و آرامش تحقق یافته و مهر و محبت در دنیای غمزده انسان‌ها برانگیخته گردد.
۲۰. شاعر در این اشعار آرزوی رسیدن روزی را دارد که ناقوس‌ها مژده برآمدن سپیده را به غم‌های بشر دهند و طنین نام صلح بر همه زبان‌ها جاری گردد.
۲۱. شاعر در این ابیات گفت‌وگوی درونی زن و مرد مبارزی را به تصویر می‌کشد که در میدان جنگ منتظر اجرای حکم اعدام خود هستند. آنها خود را مبارزانی می‌دانند که در راه هدفشان با تبسم به آغوش مرگ رفته‌اند و در نهایت خود را پیروز می‌دانند. استفاده مکرر شاعر از ضمیر متکلم مع‌الغیر نشان از تأکید شاعر بر همراهی زن و مرد در راه مبارزه دارد.
۲۲. شاعر در این بیت ضمن اشاره به رنج و اندوه جمیله بوحیرد، او را به عنوان نمونه زن مبارز، به زنان عرب معرفی می‌نماید.
۲۳. این ابیات به مناسبت اشغال جنوب لبنان سروده شده که در آن، شاعر زنان عرب را به هوشیاری و پرهیز از غفلت‌زدگی نسبت به وضعیت جهان عرب فرا می‌خواند.
۲۴. شاعر در پی دیدن منظره دردناکی از یک کودک خیابان‌گرد، این اشعار را سروده و بشریت را به دلیل غفلت و بی‌خبری ملامت کرده و انسانیت را تنها لفظی می‌داند که در کتاب‌ها باقی مانده است.
۲۵. شاعر در این ابیات قوم عرب را به خاطر از بین بردن ارزش‌های دینی و برپایی جنگ‌های داخلی مورد سرزنش قرار داده است.
۲۶. در این ابیات شاعر جهان عرب را به دلیل بی‌تفاوتی در برابر تجاوز رژیم صهیونیستی مورد سرزنش قرار داده است.
۲۷. در این بیت شاعر آینده فلسطین را بدین شکل ترسیم نموده که تماماً به جهان اسلام بازگشته و اسرائیل از صحنه روزگار محو می‌شود.
۲۸. شاعر در این اشعار رنج و اندوه خود را از جدایی درازمدت فلسطین از جهان عرب بیان کرده است.
۲۹. ملائکه این ابیات را زمانی سرود که رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۷۳ بخش‌هایی از سرزمین‌های اشغالی را به عنوان هدیه به ملکه انگلستان پیشکش نموده و وی نیز به نشان دوستی خود با قوم یهود این هدیه را پذیرفت.
۳۰. شاعر در این ابیات آینده‌ای را ترسیم نموده که در آن باران بر سرزمین‌های تفدیده می‌بارد و درختان برگ‌نوبرمی‌آورند و شر اسرائیل از دامن عرب برچیده می‌گردد.

۳۱. شاعر در این بیت فردایی را به تصویر می‌کشد که سرزمین از دست رفته فلسطین به جهان عرب بازگردانده شده و صاحبان آن بدانجا بازخواهندگشت.
۳۲. در این بیت نیز به آینده روشن فلسطین که همان انتشار طنین نام خدا و اقامه عدالت و زنده شدن شهیدان است، اشاره شده است.
۳۳. شاعر در این اشعار ادعای صلح‌طلبی جامعه جهانی را آنگاه که مردم فلسطین آواره بیابان‌ها هستند، به سخره می‌گیرد.
۳۴. ملانکه در این ابیات به صراحت اعلام می‌دارد که در مسئله فلسطین مبارزات مسلحانه تنها راه حل ممکن است.
۳۵. نام استانی در کشور جمهوری عربی سوریه است. این استان در بلندی‌های جولان (هضبة الجولان) واقع شده است.
۳۶. شاعر این ابیات را به مناسبت رهایی شهر قنيطرة سوریه از اشغال رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۷۴ سروده است.
۳۷. این ابیات به مناسبت تجاوز رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان و ویرانی و مرگ ساکنان این منطقه سروده شده است.
۳۸. این ابیات به مناسبت هجوم نیروی هوایی ارتش اسرائیل به شهر بیروت سروده شده است.
۳۹. این ابیات به مناسبت اعلام حکومت جمهوری در عراق سروده شده است. شاعر در این اشعار به نیروهای انقلابی هشدار می‌دهد که مراقب دشمنان و دزدان یعنی اسرائیل و امریکا باشند.
۴۰. شاعر در این بیت اعلام می‌دارد که امریکا با سرمایه کشورهای عربی از اسرائیل حمایت می‌کند.
۴۱. این ابیات به مناسبت پیشروی ارتش عربی در صحرای سینا و بازپس‌گیری بخشی از سرزمین‌های اشغالی سروده شده است. از آنجایی که این رویداد در روز شنبه اتفاق افتاد به «سبت التحریر» یعنی «شنبه آزادسازی» معروف گردید. در پی این اقدام، امریکا آنها را به عقب‌نشینی فراخواند.
۴۲. این ابیات به مناسبت واقعه‌ای سروده شده که در صحرای سینا برای ارتش مصر رخ داد. واقعه بدین شرح است که در ماه رمضان ذخایر آب ارتش مصر که در صحرای سینا با ارتش اسرائیل درگیر بوده به پایان رسیده و هیچ راهی برای دسترسی به آب نداشته‌اند تا اینکه بر اثر بمباران هواپیماهای اسرائیل، ذخایر آب پنهان این کشور مورد هدف قرار گرفته و نیروهای مصری از تشنگی و هلاکت، به طرز معجزه‌آسایی رها می‌شوند.

منابع

آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۹). *تاریخ ایران مدرن*. ترجمه محمد ابراهیم فتاحی. تهران: نی.

۱۵۲ بررسی سنجشی مضامین سیاسی اشعار سپیده کاشانی و نازک الملائکه

- امیراحمدی، هوشنگ و پروین منوچهر (۱۳۸۱). *ایران پس از انقلاب*. ترجمه علی مرشدی‌زاد. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران (انتشارات باز)
- باهنر، محمدجواد (۱۳۷۴). *مباحثی پیرامون فرهنگ انقلاب اسلامی*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بقاعی، ایمان یوسف (۱۹۹۵). *نازک الملائکه و التغيرات الزمنية*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- بیگدلی، علی (۱۳۶۸). *تاریخ سیاسی و اقتصادی عراق*. تهران: مؤسسه اطلاعات و انتشارات تاریخی میراث ملل.
- حسین‌زاده بولاقی، شهریانو (۱۳۸۷). *بررسی شعر بانوان در ادبیات معاصر*. شیراز: نوید شیراز.
- خلیل جحا، میشال (۱۹۹۹). *الشعر العربی الحديث من أحمدشوقی إلى محمود درویش*. بیروت: دارالعودة.
- درودیان، محمد (۱۳۷۶). *سیری در جنگ ایران و عراق*. ج ششم. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- دری نیک، جان پی (۱۳۶۸). *خاورمیانه در قرن بیستم*. ترجمه فرنگیس اردلان. تهران: نشر جاویدان.
- دستغیب، عبدالعلی (۱۳۷۸). *در آینه تقد*. تهران: انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- ستوده، هدایت الله (۱۳۷۸). *جامعه‌شناسی در ادبیات فارسی*. تهران: انتشارات آوای نور.
- صنعتی، محمد حسین (۱۳۸۹). *آشنایی با ادبیات دفاع مقدس*. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- عزالدین، یوسف (۲۰۰۸). *الشعر السياسي الحديث فی العراق*. دمشق: دار المدی.
- فرجاد، محمدحسین (بی‌تا). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی و سیر تحول و تکامل جامعه*. تهران: انتشارات بوعلی.
- قبادزاده، ناصر (۱۳۸۱). *روایتی آسیب‌شناختی از گسست نظام و مردم*. تهران: فرهنگ گفتمان.
- کاشانی، سپیده (۱۳۸۹). *مجموعه آثار سپیده کاشانی / سروده*. تهران: انجمن قلم ایران.
- لوتسکی، ولادیمیر (۱۳۵۶). *تاریخ عرب در قرون جدید*. تهران: نشر چاپار.
- الملائکه، نازک (۲۰۰۸). *الأعمال الشعرية الكاملة*. ج ۱ و ۲. بیروت: دارالعودة.
- (۱۹۹۸). *دیوان یغیر ألوانه البحر*. قاهرة: آفاق الكتابة.
- (۱۹۹۵). «لمحات من سیرتی». *مجله الجدید*. دوره دوم، ش ۷.
- میر بصری (۱۹۹۴). *أعلام الأدب فی العراق الحديث*. ج ۲. بی‌جا: دارالحکمة.
- ولک، رنه (۱۳۷۳). *نظریه ادبیات*. ترجمه پرویز مهاجر و ضیاء موحد محمدی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- وهبه، مجدی (۱۹۷۴). *معجم المصطلحات الأدبية*. بیروت: مکتبه لبنان.
- الفرطوسی، عبدالهادی (۲۰۰۷). «تطور المناهج الإجتماعية فی النقد الأدبی»، [www. Alnoor.se](http://www.Alnoor.se)
- «نازک الملائکه و ثورة الشعر الحديث»، (۲۰۰۷). <http://abu-issac.blogspot>